

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان درس:	فقه نظام خانواده	جلسه ۵	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۸/۸
عنوان فرعی ۱	نکاح			
عنوان فرعی ۲	شرط استحباب عینی نکاح			
عنوان فرعی ۳	کُفَّیت			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث ما در کُفَّیت در نکاح بود که دربارهٔ روایات این باب بحث می‌کردیم و گفتیم روایات بر سه دسته‌اند: دستهٔ اول روایاتی بود که ملاک کُفَّیت را اسلام و ایمان می‌دانست که روایات این دسته را خواندیم.

روایات دستهٔ دوم:

بحث امروز در دسته دوم از روایات مربوط به کُفَّیت است و که روایاتی است که اعتبارات اجتماعی را در کُفَّیت ملغی می‌کند و بیان می‌دارد که اعتبارات اجتماعی شرط کُفَّیت نیست. در این دسته به شدت اعتبارات اجتماعی رایجی که برای کُفَّیت ملاک‌های دیگری را معتبر می‌دانند از جمله ملاک‌های طبقاتی و امتیازهای اجتماعی و شرف و حسب و نسب اجتماعی را الغا می‌کنند؛ بلکه از این روایات استفاده می‌شود استحباب اینکه کسی که از یک طبقه بالاتر است و از یک جایگاه اجتماعی برتری برخوردار است، وقتی می‌خواهد همسر بگیرد، از کسانی زن بگیرد که از طبقهٔ اجتماعی پایین‌تر هستند و شاید [به دلیل همین است] اینکه ما در تاریخ ائمه علیهم‌السلام می‌بینیم که غالب امامان ما بعد از سید الشهداء علیه‌السلام متولد از زنانی هستند که برده بودند و بعد امامان آنها را آزاد می‌کنند و امامان بعدی از دامن این زنانی که برده بودند پرورش پیدا می‌کنند؛ از امام سوم علیه‌السلام که با شهربانو ازدواج کرد و امام سجاد علیه‌السلام در دامن شهربانو متولد شد این جریان شروع می‌شود و همچنین ما بقی ائمه علیهم‌السلام غیر از یکی دو مورد نیز این گونه بودند. خود این کثرت سیره‌ای که در سلوک ائمه اطهار علیهم‌السلام پیدا شده دلالت بر استحباب دراد و علاوه بر آن روایات خاصه‌ای وجود دارد که از این روایات استحباب این امر استفاده می‌شود.

روایات متعددی در ازدواج امام سجاد علیه‌السلام با برده‌ای از بردگان روایت شده؛ البته روایات مختلفند در خصوص این زن که برده بوده و آزاد شده حضرت بوده یا بردهٔ آزاد شده‌ای بوده که بعد حضرت با او ازدواج می‌کند، بردهٔ که بوده؟ به نظر می‌رسد این روایات متعدد اشاره به حوادث متعدد ندارد چون مضمون این روایات متشابه است؛ لذا بعید است که حادثه متعدد باشد و ظاهراً یک حادثه است که وقتی حضرت با یک

برده آزاد شده ازدواج کرد، آنقدر این مسئله در بین عرب و در بین جامعه آن روز پیچید و صدا کرد که موجب آن شده که خلیفه مسلمین عبد الملک مروان وارد عمل شود و نامه به حضرت سجاد علیه السلام بنویسد و به ایشان اعتراض کند که تو که از این خانواده شریف و بلند مرتبه و بلند جایگاه هستی چرا باید تن به همچین کاری بدهی و با یک برده آزاد شده ازدواج کنی. روایات در این زمینه متعدد است، چند نمونه را بیان می‌کنیم:

روایت اول روایتی است که مرحوم کلینی به این سند نقل می‌کند:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَزِيدَ بْنِ حَاتِرٍ

به این روایت از لحاظ سندی نمی‌توان اعتماد کرد زیرا یزید بن حاتم توثیقی ندارد.

قَالَ: كَانَ لِعَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ عَيْنٌ بِالْمَدِينَةِ يَكْتُبُ إِلَيْهِ بِأَخْبَارِ مَا يَحْدُثُ فِيهَا وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَعْتَقَ جَارِيَةً ثُمَّ تَزَوَّجَهَا فَكَتَبَ الْعَيْنُ إِلَى عَبْدِ الْمَلِكِ فَكَتَبَ عَبْدُ الْمَلِكِ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي تَزْوِجُكَ مَوْلَاكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّهُ كَانَ فِي أَكْثَائِكَ مِنْ قُرَيْشٍ مَنْ تَمَجَّدَ بِهِ فِي الصُّهْرِ وَتَسْتَنْجِبُهُ فِي الْوَلَدِ فَلَا لِنَفْسِكَ نَظَرَتْ وَلَا عَلَى وَلَدِكَ أَبْقَيْتَ وَالسَّلَامُ

به من خبر رسیده که تو با برده خود ازدواج کردی، درحالی که از کُف‌های خودت در قریش کسانی بودند که می‌توانستی به وسیله ازدواج با آنها افتخار کنی و از یک خانواده معتبر قریش صاحب فرزند شوی؛ نه ملاحظه خودت را کردی که اعتبار اجتماعی خودت را از دست ندهی و نه برای فرزندان مادر خوبی انتخاب کردی.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي كِتَابَكَ تُعْنِفُنِي بِتَزْوِجِي مَوْلَاتِي وَتَزْعُمُ أَنَّهُ كَانَ فِي نِسَاءِ قُرَيْشٍ مَنْ أَتَمَّجَّدَ بِهِ فِي الصُّهْرِ وَاسْتَنْجِبُهُ فِي الْوَلَدِ وَأَنَّهُ لَيْسَ فَوْقَ رَسُولِ اللَّهِ صُ مَرْتَنِي فِي مَجْدٍ وَلَا مُسْتَرَادٍّ فِي كَرَمٍ وَإِنَّمَا كَانَتْ مِلْكٌ يَمِينِي خَرَجَتْ مَتَى أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنِّي بِأَمْرِ التَّمَسُّ بِه نَوَائِبُهُ ثُمَّ ارْتَجَعْتُهَا عَلَى سُنَّةٍ وَمَنْ كَانَ زَكِيًّا فِي دِينِ اللَّهِ فَلَيْسَ يُحِلُّ بِهِ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ وَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ الْخَسِيسَةَ وَتَمَمَّ بِهِ النَّقِيصَةَ وَأَذْهَبَ اللَّؤْمَ فَلَا لُؤْمَ عَلَى أَمْرِي مُسْلِمٍ إِنَّمَا اللَّؤْمُ لُؤْمُ الْجَاهِلِيَّةِ وَالسَّلَامُ.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که دیگر شرافتی بالاتر نیست، ایشان فرزند خوانده خود که برده آزاد شده بود را به ازدواج دختر عمه خودش که شریف زاده قریش بود در آورد. من نیز برای ثواب خدا این برده را آزاد کرده و سپس بنا به

سنت رسول خدا ﷺ او را برگرداندم و خدای متعال به وسیله اسلام کمبودها را جبران می کند و کسی که مسلمان نباشد، بعد از اینکه اسلام آورد اگر برده زاده هم باشد، شریف می شود.

در این روایت چنین آمده که امام سجاد علیه السلام برده ای داشتند، او را آزاد کرده و سپس با او ازدواج کردند، در روایات بعدی آمده است که این برده، برده حضرت علی اکبر علیه السلام بوده است و وجه جمع بین این دو روایت این است که شاید این برده، برده حضرت علی اکبر علیه السلام بوده و بعد از طریق هبه یا خرید و... از ورثه حضرت علی اکبر علیه السلام به حضرت سجاد علیه السلام منتقل شده. قاعده هم این است که چون حضرت علی اکبر علیه السلام قبل از سیدالشهدا علیه السلام به شهادت رسیده، لذا بخشی از اموال حضرت علی اکبر علیه السلام به سیدالشهدا علیه السلام می رسد، و قاعدتا آن بخش بعد از شهادت سیدالشهدا علیه السلام به امام سجاد علیه السلام منتقل می شود پس معلوم می شود حضرت سجاد علیه السلام سهمی از آن برده داشته و احتمالا ما بقی سهم آن برده را نیز خریده و این برده در ملک امام سجاد علیه السلام درآمده و بعد حضرت او را آزاد کرده و با او ازدواج کرده است.

گرچه این روایت ضعف سندی دارد، منتهی روایت دیگری وجود دارد که صحیح السند است و این روایت را تأیید می کند. روایتی که این روایت را تأیید می کند، روایتی است که مرحوم شیخ نقل می کند و سند آن بسیار قوی است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«لَمَّا زَوَّجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّهُ مَوْلَاهُ وَتَزَوَّجَ هُوَ مَوْلَا تَهُ فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَبْدُ الْمَلِكِ كِتَابًا يُلُومُهُ فِيهِ وَيَقُولُ قَدْ وَصَعْتَ شَرَفَكَ وَحَسَبَكَ فَكَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ اللَّهَ رَفَعَ بِالْإِسْلَامِ كُلَّ خَسِيسَةٍ وَأَتَمَّرَ بِهِ النَّاقِصَةَ وَأَذْهَبَ بِهِ اللُّؤْمَ فَلَا لُؤْمَ عَلَى مُسْلِمٍ وَإِنَّمَا اللُّؤْمُ لُؤْمُ الْجَاهِلِيَّةِ وَأَمَّا تَزْوِيجُ أُمِّي فَإِنَّمَا أَرَدْتُ بِذَلِكَ بَرَّهَا فَإِنَّمَا انْتَهَى الْكِتَابُ إِلَى عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ لَقَدْ صَنَعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمْرَيْنِ مَا كَانَ يَصْنَعُهُمَا أَحَدٌ إِلَّا عَلَىُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهُ بِذَلِكَ زَادَ شَرَفًا»^۱

اینجا دو جریان از امام سجاد علیه السلام نقل شده؛ که ظاهرا این دو جریان هردو موجب برآشتگی عبدالملک مروان شده: جریان اول اینکه حضرت، مادر خود که ظاهرا یعنی همسر سیدالشهدا علیه السلام را به همسری برده آزاد شده خود در آورد و جریان دوم اینکه خود امام سجاد علیه السلام با برده خود ازدواج کرد.

حسین بن سعید در کتاب الزهد همین روایت را نقل می کند و تکمله ای دارد که در نامه امام سجاد علیه السلام این تکمله آمده است:

«وَلَنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُسْوَةٌ زَوْجَ زَيْنَبَ بِنْتِ عَمِّهِ زَيْدًا مَوْلَاهُ وَتَزَوَّجَ مَوْلَاتَهُ صَفِيَّةَ بِنْتَ حُجَيْبٍ بَنِ أَخْطَبٍ»^۱

روایت دیگری از امام رضا علیه السلام وارد شده که صحیح السند است:

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَيَتَزَوَّجُ أُمُّوْلِدَ أَبَيْهَا

سوال می کند از کسی که هم با یک زن ازدواج کند و هم با برده ام ولد پدر آن زن ازدواج کند.

قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ قُلْتُ بَلَعْنَا عَنْ أَبِيكَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام تَزَوَّجَ ابْنَةَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَأُمُّوْلِدَ الْحَسَنِ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا

که پرسید اینگونه به ما رسیده که امام سجاد علیه السلام هم با دختر امام حسن علیه السلام، و هم برده ام ولد امام حسن علیه السلام ازدواج کرد. که امام سجاد علیه السلام فرمود چنین نیست بلکه امام سجاد علیه السلام با دختر امام حسن علیه السلام و برده ام ولد علی اکبر ازدواج کرد:

إِنَّمَا تَزَوَّجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ: ابْنَةَ الْحَسَنِ وَأُمُّوْلِدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْمَقْتُولِ عِنْدَ كُرِّ فَكُتِبَ بِذَلِكَ إِلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ فَعَابَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَكَتَبَ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ فَكَتَبَ إِلَيْهِ الْجَوَابَ فَلَمَّا قَرَأَ الْكِتَابَ قَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَضَعُ نَفْسَهُ وَإِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُ.^۲

وجه جمع این روایت و روایتی که برده را برده امام سجاد علیه السلام می دانست را بیان کردیم که این برده از علی اکبر علیه السلام به امام سجاد علیه السلام رسیده و حضرت او را آزاد کرده و با وی ازدواج نمود. از این دسته روایات استحباب ازدواج با کسی که از لحاظ شأن اجتماعی در مرحله پایین تر قرار دارد استفاده می شود.

۱. همان؛ ح ۱۰.

۲. همان؛ ح ۳.